

پرسش ۱۶۵: آیهی (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا...)

سؤال / ۱۶۵: قوله تعالى: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا \* وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا) [588].

معنای این آیه (هرکس که خواهان این جهان زودگذر باشد هرچه بخواهیم برای کسی که بخواهیم ارزانی اش داریم، آن گاه جهنم را جایگاه او سازیم تا نکوهیده و مردود به آن درآفتد \* و هر که قصد آخرت نماید و در طلب آن سعی و تلاشش را در آن به کار بندد درحالی که مؤمن باشد، آنان کسانی هستند که از سعی و تلاششان سپاس‌گزاری خواهد شد). [589]

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين  
الدنيا والآخرة طريقان مختلفان، هذا إلى المشرق، وهذا إلى المغرب. فمن توجه إلى - أحدهما جعل الأخرى في - ظهره، فلا يجتمعان في - عين إنسان، ولا يجتمعان في قلب إنسان. لا يجتمع حب الدنيا وحب الآخرة في قلب إنسان [590].  
كيف، والله لا تساوي الدنيا عنده جناح بعوضة، ولو كانت لها قيمة عنده لما كان لكافر فيها شربة الماء [591]. كيف، والله لم ينظر إلى عالم الأجسام منذ خلقه [592]؟ كيف وكيف ...

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليمًا.

دنیا و آخرت دو مسیر متفاوتند؛ این، رو به مشرق دارد و آن، رو به مغرب. کسی که به یکی روی آورد، دیگری را پشت سر خود نهاده است؛ و این دو در چشم انسان و در قلب

انسان با هم جمع نمی‌گردند. حب و دوستی دنیا و حب آخرت در قلب انسان جمع نمی‌شوند؛ ([593]) و چگونه باهم جمع شوند حال آن که به خدا سوگند دنیا در نظر خداوند به اندازه‌ی بال پشه‌ای ارزش ندارد که اگر برای او قدر و قیمتی داشت، کافر در آن جرعه آبی نمی‌نوشید؛ ([594]) و چگونه چنین باشد حال آن که خداوند از وقتی که عالم اجسام را آفریده به آن نگاه نینداخته است؟ ([595]) و چگونه... و چگونه....

**(فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ) ([596]).**

( زنده‌ی دنیا شما را نفریبند، و آن فریبنده، به خدا مغرورتان نگرداند). ([597])

**(مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ):** ای دنیا، **(عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ):** ای اعطاه الله فيها إذا أراد الله، ويعطي الله ما يريد إعطاءه لمن يريد إعطاءه، فریما يطلب الإنسان الدنيا ويخسر الآخرة، ولكنه لا يحصل على شيء من الدنيا، فيخسر الدنيا والآخرة.

( هر کس که خواهان این جهان زودگذر باشد ) ، یعنی دنیا ( هر چه بخواهیم برای کسی که بخواهیم ارزانی اش داریم ) ، یعنی اگر خداوند اراده کند در آن او را بهره‌مند می‌سازد و آنچه را که اراده کند ببخشد، به کسی که بخواهد می‌بخشد؛ اما چه بسا انسان دنیا را بطلبد و آخرت را از کف بدهد ولی چیزی از دنیا هم به دست نیآورد و در نتیجه خسران دنیا و آخرت را نصیب خود کند.

**ثم تكون نتيجة طالب الدنيا في الآخرة خسارة عظيمة، (ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا) ([598]).**

به این ترتیب نتیجه‌ی خواستن دنیا در برابر آخرت، زبانی بس عظیم خواهد بود: ( آن گاه جهنم را جایگاه او سازیم تا نکوهیده و مردود به آن درآفتد). ([599])

(وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ): إرادة الدنيا لا تحتاج إلى شيء فقط النية والإعراض عن الآخرة، أما إرادة الآخرة فتحتاج إلى الإيمان بولي الله الأعظم والحجة في كل زمان، وتحتاج إلى السعي مع ولي الله والحجة على الناس في كل زمان، وهذا السعي هو من القرض الذي قال عنه تعالى: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللهُ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ) [600].

( و هر که قصد آخرت نماید و در طلب آن سعی و تلاشش را در آن به کار بندد در حالی که مؤمن باشد ) : دنیاخواهی به چیزی جز نیت و روی گردانی از آخرت نیاز ندارد. ولی آخرتخواهی به ایمان به بزرگترین ولیّ خداوند و حجت خدا در هر زمان نیاز دارد و مستلزم کار و تلاش همراه با ولیّ خدا و حجت بر مردم در هر زمان است و این کار و تلاش از جمله‌ی همان قرضی است که خدای متعال درباره‌اش می‌فرماید: ( کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟). [601]

ويقرض الله: أي يصل الإمام بصلّة [602]، إما مادية في أموال، أو يسعى بجهده مع ولي الله، ويجاهد مع ولي الله بلسانه ويده، والصلّة الأخيرة أفضل قطعاً من الأولى.

به خدا قرض دهد یعنی به امام صله‌ای دهد، [603] یا مادی که در اموال است؛ یا این که در راه ولیّ خداوند، تلاش و کوشش کند و با زبان و دستش، با ولیّ خداوند تلاش کند. صله‌ی دوم، قطعاً از اولی برتر است.

وهؤلاء الذي يسعون مع ولي الله بعد الإيمان به؛ لأن الإيمان به هو الإيمان بالله سبحانه وتعالى (سَعْيُهُمْ مَشْكُورٌ)، والذي يشكرهم هو الله سبحانه وتعالى؛ لأنهم أقرضوه هو سبحانه وتعالى، فقد جعل سبحانه هذا الأمر (السعي مع الإمام) قرضاً لله وعلى الله سداد، فيكون سداد الله هو شكر هؤلاء؛ لأنهم عباد شاكرون، فقد شكروا نعمة الله عليهم بولي الله وسعوا معه إلى الله، (وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ) [604].

این کسانی که همراه با ولیّ خدا سعی و تلاش می‌کنند، پس از ایمان آوردن به او می‌باشد؛ چرا که ایمان آوردن به او، ایمان به خداوند سبحان و متعال می‌باشد، ( از سعی و تلاش‌شان سپاس‌گزاری خواهد شد ) ، و کسی که از آن‌ها سپاس‌گزاری می‌کند خود خداوند سبحان و متعال است؛ زیرا آن‌ها به خداوند سبحان و متعال قرض داده‌اند و خداوند خود این (کار و تلاش همراه با امام) را قرضی به خدا در نظر گرفته و بازپرداخت آن نیز بر عهده‌ی خداوند است و پرداخت خداوند همان سپاس‌گزاری از این‌ها می‌باشد؛ زیرا آن‌ها بندگان هستند شاکر، که نعمت ولیّ خداوند بر خودشان را شکر گزارده‌اند و به همراه او به سوی خداوند، سعی و تلاش نموده‌اند ( و اندکی از بندگان من سپاس‌گزارند ) . [605]

وشكر الله لعبد هو نعمة ما بعدها نعمة؛ لأنها خاصة بآل محمد (عليهم السلام) فمن شكره الله كان منهم، (سلمان منا أهل البيت) [606]. انظر ماذا قال تعالى في سورتهم وهي (هل أتى): (إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا) [607]، وهؤلاء الذين سعيهم مشكور في سورة (هل أتى) هم: محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة والمهديون (عليهم السلام)، فمن سعى سعيهم ووالاهم وجاهد معهم بماله وقلبه ولسانه ويده كان منهم، (فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا) [608]، أي منا أهل البيت.

سپاس‌گزاری خداوند از بنده، نعمتی است که بالاتر از آن نعمتی وجود ندارد؛ زیرا نعمتی است که به آل محمد (عليهم السلام) اختصاص داده شده و کسی که خداوند سپاس‌گزارش باشد، در زمره‌ی آن‌ها (عليهم السلام) خواهد بود «سلمان از ما اهل بیت است» . [609] بنگر خداوند متعال در سوره‌ی مربوط به آن‌ها (هل اتی) چه فرموده است: ( این پاداش شما است و از سعی و کوششتان سپاس‌گزاری شده است ) [610] ، و این‌ها که در سوره‌ی «هل اتی» از سعی و کوششتان قدردانی شده است حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و علی، فاطمه، حسن، حسین، ائمه و مهدیین (عليهم السلام) هستند. لذا، کسی که همانند سعی آن‌ها سعی و تلاش کند و از آن‌ها پیروی کند و با

مال و قلب و زبان و دستش همراه با آنها جهاد کند، از آنها است: ( آنان کسانی هستند که از سعی و تلاش شان سپاس گزاری خواهد شد ) [611].



[588] - الإسراء : 18 - 19.

[589] - إسراء: 18 و 19.

[590] - قال رسول الله (ص): (الدنيا والآخرة ضربتان بقدر ما تقرب من أحدهما تبعد عن الأخرى) عوالي اللثالي : ج 1 ص 278 ح 106، وقال علي (عليه السلام): (إن الدنيا والآخرة عدوان متفاوتان وسبيلان مختلفان، فمن أحب الدنيا وتولاها أبغض الآخرة وعادها. وهما بمنزلة المشرق والمغرب وماش بينهما، كلما قرب من واحد بعد من الآخر، وهما بعد ضربتان ) نهج البلاغة / الحكم القصار (103).

[591] - قال الإمام الصادق (عليه السلام) في نصيحة لأحد أصحابه جاء فيها : (يا فضيل ابن يسار، لو عدلت الدنيا عند الله عز وجل جناح بعوضة ما سقى عدوه منها شربة ماء) الكافي : ج 2 ص 246 ح 5.

[592] - في تفسير الفاتحة للملا صدر المتألهين ، قال رسول الله (ص): (إن الله لم ينظر إلى الأجسام منذ خلقها)، وفي الجامع الصغير للسيوطي: ج 1 ص 273 ح 1780، قال رسول الله (ص): (إن الله تعالى لم يخلق خلقاً هو أبغض إليه من الدنيا، وما نظر إليها منذ خلقها بغضاً لها).

[593] - رسول خدا ص می فرماید: «دنيا و آخرت برخلاف یکدیگر هستند؛ هر اندازه به یکی نزدیک تر شود، از دیگری دور خواهد شد». عوالی اللثالی: ج 1 ص 278 ح 106؛ و علی ع می فرماید: «دنيا و آخرت دو دشمن آشتیناپذیر و دو راه مختلف اند؛ پس کسی که دنیا را دوست بدارد و به آن عشق ورزد آخرت را دشمن داشته، با آن عداوت میکند. این دو همچون مشرق و مغرب اند: پویندهی این دو راه، هرگاه به یکی از دو طرف نزدیک شود از دیگری دور گردد، و آن دو همانند هُوو می باشند». نهج البلاغه: حمت 103.

[594] - در نصیحتی که امام صادق ع به یکی از یارانش می فرماید آمده است: «ای فضیل بن یسار! اگر دنیا در نظر خداوند عزوجل به اندازهی بال پشه ای ارزش و قیمت داشت، دشمن او جرعه آبی از آن نمی نوشید». کافی: ج 2 ص 246 ح 5.

[595] - در تفسیر سوره ی فاتحه ملا صدرا المتألهین آمده است: رسول خدا ص می فرماید: «خداوند از زمانی که عالم جسدها را خلق کرد به آن نگاه نینداخته است» و در جامع الصغیر سیوطی ج 1 ص 273 ح 1780 روایت شده است که رسول خدا ص فرمود: «خداوند متعال خلقتی که بیش از دنیا به او دشمنی کرده باشد، نیافریده است و از زمانی که با انزجار آن را آفرید به آن ننگریسته».

[596] - فاطر : 5.

[597] - فاطر: 5.

[598] - الإسراء : 18.

[599] - اسراء: 18.

[600] - الحديد: 11.

[601] - حديد: 11.

[602] - انظر: الكافي: ج 1 ص 537، باب صلة الامام، وفيه سبعة أحاديث منها:

عن الخيبري ويونس بن ظبيان قالا: سمعنا أبا عبد الله (عليه السلام) يقول: (ما من شئ أحب إلى الله من إخراج الدراهم إلى الامام وإن الله ليجعل له الدرهم في الجنة مثل جبل أحد، ثم قال: إن الله تعالى يقول في كتابه: من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له أضعافاً كثيرة، قال: هو والله في صلة الامام خاصة).

وعن إسحاق بن عمار، عن أبي إبراهيم (عليه السلام) قال: (سألته عن قول الله عز وجل: من ذا الذي يقرض الله قرضاً حسناً فيضاعفه له وله أجر كريم، قال: نزلت في صلة الامام).

[603] - به کافی ج 1 ص 537 باب صله به امام که در آن هفت حدیث وجود دارد مراجعه نمایید؛ از جمله: «هیچ چیز نزد خداوند دوست داشتنی تر از دادن درهم به امام نیست که خداوند آن درهم را در بهشت برای او چون کوه احد می نماید». سپس فرمود: «خداوند متعال در کتابش می فرماید: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ) (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟)» فرمود: «به خدا سوگند منظور، به طور خاص صله به امام می باشد».

از اسحاق بن عمار از ابا ابراهیم ع روایت شده است: از این سخن خداوند عزوجل سوال کردم (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ) (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟) فرمود: «درباره‌ی صله به امام نازل شده است».

[604] - سبأ: 13.

[605] - سبأ: 13.

[606] - عیون أخبار الرضا (علیه السلام): ج 1 ص 70 ح 282.

[607] - الإنسان: 22.

[608] - الإسراء: 19.

[609] - عیون اخبار الرضا ع: ج 1 ص 70 ح 282.

[610] - انسان: 22.

[611] - اسراء: 19.